

Protecting the Dead Bodies under International Humanitarian Law and Islamic Views

Received: 13/05/2019; Accepted: 08/10/2019 Gholamali Ghasemi¹
Maryam Shakerifar²

Abstract

International humanitarian law has provided numerous protections for respectful behavior with the dead bodies of the wars. These protections begin with the obligation to seek the missing and continue until the respectful burying of the bodies. In addition to the problems associated with the implementation of these regulations, the humanitarian law system is grappled with deficiency in criminalization of certain behaviors against bodies such as unauthorized exhumation, obstacles to the identification of bodies and uncared for them on the battlefield. Since the source of many humanitarian protective laws related to the bodies is the teachings of divine religions, in this article, the protection of bodies in the context of sources of Islamic jurisprudence has been studied. Respect for human personality after death, necessity of the urgent burial of corpses, and the prohibition of the amputation of the dead bodies in the war as a religious duty are highlighted in the traditions of the Infallibles (Ma'soumin) and the views of Muslim jurists. Although burying with special Islamic rituals, in accordance with the pivotal role of faith and belief in Tawhid and Resurrection (Ma'ad) in the Islamic worldview is devoted to the bodies of Muslims, but based on the standards of Islamic jurisprudence regarding the secondary decrees, the necessity of burial is extended to all dead bodies of the war. Along with health considerations and the significance of exchanging the corpses and consequently the necessity to keep and bury them, currently, Muslim governments are obliged to complying with these protections through international humanitarian documents.

Keywords: Dead Bodies, International Humanitarian Law (IHL), Geneva Conventions, Protection.



1 Associate Professor, Department of International Law, Faculty of Law, University of Qom (Corresponding Author); Email: g.ghasemi42@gmail.com
2 MA in International law, Faculty of Law, University of Qom

حمایت از اجساد و حقوق بین الملل بشردوستانه و دیدگاه اسلامی

تاریخ دریافت ۹۸/۰۲/۲۳ - تاریخ پذیرش ۹۸/۰۷/۱۶

غلامعلی قاسمی^۱
مریم شاکری فر^۲

چکیده

حقوق بین الملل بشردوستانه حمایت‌های متعددی را در مورد رفتار احترام آمیز با اجساد درگذشتگان جنگ‌ها مقرر داشته است. این حمایت‌ها، با تعهد به جستجوی مفقودین آغاز شده و تا دفن محترمانه‌ی اجساد ادامه دارد. علاوه بر مشکلات مربوط به اجرای این مقررات، نظام حقوق بشردوستانه در جرم‌انگاری برخی رفتارها علیه اجساد مانند نبش قبرهای غیر مجاز، موانع شناسایی اجساد و رها ساختن آن‌ها در میدان جنگ دچار کاستی است. از آنجا که منشأ بسیاری از مقررات بشردوستانه‌ی حمایتی در زمینه‌ی اجساد، تعالیم ادیان الهی است، در این مقاله، حمایت از اجساد در چارچوب منابع فقه اسلامی مطالعه شده است. احترام به شخصیت انسان پس از مرگ، ضرورت خاک‌سپاری فوری اجساد و حرمت قطع عضو اجساد کشته‌شدگان در جنگ به عنوان یک تکلیف دینی در روایات معصومین (ع) و آراء فقیهان مسلمان برجسته است. اگر چه دفن با آداب ویژه اسلامی با توجه به نقش محوری ایمان و اعتقاد به توحید و معاد در جهان‌بینی اسلامی، اختصاص به اجساد مسلمانان دارد، اما بر پایه‌ی ضوابط فقه اسلامی ناظر به احکام ثانویه، ضرورت دفن به همه اجساد کشته‌شدگان در جنگ تسری می‌یابد. علاوه بر ملاحظات بهداشتی و اهمیت تبادل اجساد و در نتیجه ضرورت نگهداری و دفن آنان، امروزه دولت‌های مسلمان به موجب اسناد بین‌المللی بشردوستانه نیز متعهد به رعایت این حمایت‌ها هستند.

واژگان کلیدی: اجساد، حقوق بشردوستانه، کنوانسیون‌های ژنو، حمایت.

فصلنامه پژوهش حقوق اسلام و غرب - سال ششم - شماره دوم - پاییز - ۱۳۸۸: ۱۳۸-۱۴۸



۱ دانشیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم (نویسنده مسئول)؛ رایانامه: g.ghasemi42@gmail.com

۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم



مقدمه

جنگ به عنوان واقعیتهی انکارناپذیر و بلایی خانمانسوز، از قدیم الایام میان ملل معمول و همزاد بشر بوده و این امر با گذر زمان شکل و شمایل جدیدی به خود گرفته است. اثرات جنگ در ابعاد مختلف خود واقعیتهی اجتناب ناپذیر است که مهمترین جنبه آن تلفات فراوان بشری است که به صورت مرگ و میر، معلول و آواره شدن هزاران انسان بی گناه جلوه گر می شود که در این میان مساله اجساد کشته شدگان، در خلال جنگ و پس از آن بروز کرده و از جنبه های مختلف واجد اهمیت و مطالعه است. البته اختصاص قوانین و مقررات خاص نسبت به اجساد و کشته شدگان در جنگ، از گذشته های دور در فرهنگ و ادیان مختلف الهی مورد توجه بوده است و تقریباً در تمامی آیین ها و فرهنگ ها احترام به اجساد از اصول اخلاقی محسوب و همواره بر رعایت این اصل تأکید شده است و کم و بیش در جنگ ها رعایت می شده است. به عبارت بهتر وجود احترام به اجساد در گذشتگان و مناسک مربوط به آن در اکثر نظام ها مشترک بوده است. با توسعه قواعد مربوط به کاهش آلام و رنج ها در زمان جنگ، در قالب اسناد حقوقی بین المللی با عنوان (jus in bello) از اواسط قرن نوزدهم، هنجارهای اخلاقی در مورد رفتار با درگذشتگان تبدیل به تعهدات حقوقی مدون گردید و دولت ها به رعایت آن ها ملزم شدند. اولین اسناد عبارت بودند از: اعلامیه پاریس (۱۸۵۶) کد لیبر (۱۸۶۳)^۱، کنوانسیون های ژنو^۲ ۱۸۶۳، ۱۸۶۴ و مواد الحاقی مربوط به شرایط مجروحان جنگی ۱۸۶۴، اعلامیه بروکسل^۳ و سن پترزبورگ (

فصلنامه پژوهش حقوق بشر و حقوق اسلام و غرب - سال ششم - شماره دوم - پاییز ۱۳۸۸



1 Paris Declaraion Respecting Maritime Law of 16 April 1856
 2 Lieber Code, 24 April 1863, also known as Instruciones for the Government of Armies of the United States in the Field
 3 For example: Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded in Armies in the Field. Geneva, 22 August 1864
 4 Declaraion concerning the Laws and Customs of War. Brussels, 27 August 1874



۱۸۶۸ و ۱۸۷۴). این اسناد بیانگر اجماع فزاینده به ضرورت الزام آور ساختن قواعد مربوط به زمان جنگ بود. مقررات خاص مربوط به رفتار با درگذشتگان با دستورالعمل آکسفورد^۲ در مورد قوانین مربوط به جنگ زمینی ۱۸۸۰ به منصفه ظهور رسید. (غیبی، ۱۳۹۵: ۴) اجساد یا کشته شدگان کسانی هستند که بر اثر جنگ کشته شده اند. با اجساد باقی مانده از کسانی که در هنگام درگیری ها کشته شده یا پس از زخمی شدن یا بیماری در خلال مخاصمات مرده اند و همچنین اجساد باقی مانده از افرادی که در نتیجه اشغال سرزمین به اسارت در آمده، توقیف یا بازداشت شده اند باید با احترام برخورد کرد. (وری، ۱۳۹۴: ۴۷) ادیان و به خصوص دین مبین اسلام همواره بر تکریم انسان تأکید داشته اند و می توان گفت برداشت مدرن از انسان و تأکید بر انسان گرایی ریشه در برداشت های دینی دارد. در واقع نگرش نسبت به مرگ، آماده سازی برای آن و ایمان به زندگی بعد از مرگ محور و هسته اصلی هر دین و نظام فلسفی است. مرگ مراسم نهایی و آخرین فرصت برای کشف معنای زندگی و هدف آفرینش است. (Orońska, 2009:63)

در تحقیق حاضر به تبیین موضوع از طریق تعمق، تجزیه و تحلیل اقدامات و تعهداتی که اسناد و سازمان های بین المللی مختلف و همچنین آموزه هایی که دین اسلام برای حمایت از کشته شدگان مخاصمات بر دوش دولت ها و طرف های درگیری نهاده است می پردازیم. در این خصوص سؤالاتی مطرح می شود که درصدد پاسخ به آنها هستیم. مهم ترین تعهدات و حمایت هایی که در قوانین بین المللی و آموزه های دین مبین اسلام در رابطه با اجساد درگذشتگان در مخاصمات مسلحانه وجود دارد کدامند؟ آیا این حمایت ها با توجه به چالش های ناشی از انواع مخاصمات و بازیگران این عرصه، حقوق کشته شدگان را تضمین می کند و بحث احترام و رعایت شأن و منزلت آنها را پوشش می دهد؟ از لحاظ حقوق تطبیقی، وضعیت حمایت ها در دو نظام حقوقی اسلامی و حقوق بین الملل



1 Declaraion Renouncing the Use, in Time of War, of Explosive Projectiles Under 400 Grammes Weight. Saint Petersburg, 29 November / 11 December 1868
2 Manual of the Laws of Naval War, International Insitute of International Law, Oxford 9 August 1913



بشردوستانه چگونه است؟ برای این اهداف، ابتدا به مهمترین حمایت‌ها در قبال اجساد از منظر حقوق بشردوستانه و سپس به بررسی آن از دیدگاه فقه اسلامی خواهیم پرداخت.

۱. حمایت از اجساد در حقوق بین الملل بشردوستانه

کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ژنو در سال ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی به آن در سال ۱۹۷۷ تا به امروز مهم‌ترین منابع در حمایت و مدیریت اجساد در درگیری‌های مسلحانه طبق حقوق بین‌الملل بشردوستانه هستند. این کنوانسیون‌ها در مقایسه با مقررات قبل از خود متضمن مقررات بیشتری در رابطه با اجساد و نحوه‌ی مدیریت آن‌ها هستند. موضوعات مورد بحث این کنوانسیون‌ها در رابطه با اجساد به شرح ذیل است:

الف) وظیفه مراقبت از زخمی‌ها، بیماران، مجروحین، اسرای جنگی و مردگان؛

ب) جستجو و جمع‌آوری اجساد؛

ج) دستورالعمل‌های دقیق در رابطه با ثبت مشخصات هویتی اجساد و وسایل و اموال آن‌ها؛

ح) دستورالعمل‌های دقیق در رابطه با دفن اجساد، حفاظت از مزار و قبرهای ثبت شده؛

د) تعهدات مربوط به بازگرداندن اجساد و وسایل آن‌ها به خانواده‌هایشان؛

و) مشارکت و نقش طرف‌های ثالث در مدیریت اجساد.

قبل از جنگ جهانی دوم چهار اصل اساسی در رابطه با مردگان وجود داشت از جمله اصل تمامیت بدن مرده، شناسایی مستمر، به اشتراک‌گذاری اطلاعات هویتی آن‌ها و دفن محترمانه جسد.

الف) اصل تمامیت بدن مردگان: این اصل تقریباً در تمام اسناد تاریخی و معاصر حقوق بشردوستانه که در رابطه با اجساد برای طرفین یک تعهد مثبت ایجاد می‌کند و آن حفاظت از مرده در برابر سرقت، قطع عضو، غارت و هرگونه رفتار خلاف اخلاق است. این تعهد با اساسنامه رم که مثله کردن را به عنوان یک جنایت جنگی تحت قوانین بین‌المللی معرفی می‌کند تقویت می‌شود. . (wels, 2015:7-8)





ب) اصل شناسایی و به اشتراک گذاری اطلاعات هویتی: این اصل در تمام اسناد حقوق بشر دوستانه تعهدی را ایجاد می کند تحت عنوان ایجاد مرکز تحقیق یا مرکز اطلاعات، که در آن اطلاعات دقیق در مورد زخمیان، اسرای جنگی و مردگان و همچنین برای نگهداری وسایلی که ممکن است برای شناسایی فرد مؤثر باشند، جمع آوری و نگهداری می شوند. (fourth Hague Conventions, 1907: Art 14) تعهد به شناسایی جایی اهمیت بیشتری پیدا می کند که متوفی به تدریج به اسناد قانونی احتیاج پیدا می کند از جمله معاینه دقیق جسد برای احراز هویت و صدور گواهی فوت.

ج) اصل دفن محترمانه اجساد: با وجود اینکه اکثر اسناد بین الملل بشر دوستانه از تدفین یا سوزاندن به عنوان بخشی از تعهدات طرفین یاد می کنند اما کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو در مورد معجرو حین و بیماران همراه با ضمیمه ی آن در مورد زندانیان اولین سندی است که از واژه ی «محترمانه» در آن استفاده شده است. در ماده (۴) تحقق آن را از طریق تعهدات خاص عملیاتی از قبیل: علامت گذاری هر یک از قبرها به صورت جداگانه، احترام و حفاظت مزار آن ها و سازماندهی ثبت قبرها ترسیم می نماید. عملکرد و کاربرد مدیریت مردگان در درگیری های مسلحانه در دو دهه اخیر روند رو به رشدی داشته است و دو تحول در این تغییرات بیشترین تأثیر را داشته است: اولین آن ها عملکرد دادگاه های بین المللی کیفری برای یوگوسلاوی سابق و رواندا بود که منجر به جهشی رو به جلو در تحقیقات پزشکی قانونی برای جست و جوی اجساد و تکنیک هایی برای یافتن محل قبرهای مخفی شد. رویداد دوم سونامی ۲۶ دسامبر ۲۰۰۴ جنوب شرق آسیا بود که ۲۲۰ هزار کشته برجای گذاشت. هر دو تحول جامعه بین المللی را مجبور به کنار آمدن با بحران مردگان در مقیاس بی سابقه ای کرد و تکنیک های علمی برای شناسایی از طریق DNA و محل یابی قبرهای مخفی، امکاناتی است که قبل از این دو واقعه وجود نداشت. در نتیجه این دو واقعه بود که تفسیر و عملکرد مدیریت اجساد توسعه یافت. (wels, 2015, 11-12)

با بیان این مقدمه به مهم ترین تعهدات دولت ها و طرفین درگیری در مخاصمات مسلحانه در زمینه حمایت از اجساد می پردازیم:



۱-۱. جستجو و جمع آوری اجساد

طبق قاعده ۱۱۲ از قواعد عرفی هر یک از طرف‌های درگیری در صورت اقتضاء شرایط، و به ویژه پس از پایان هر درگیری، موظف است بدون تأخیر کلیه اقدامات ممکن را بدون تبعیض ناروا جهت جستجو، جمع آوری و تخلیه اجساد، به عمل آورد.

جستجوی اجساد، اولین اقدام در مدیریت و رسیدگی به اجساد قربانیان می باشد و این مرحله معمولاً با آشنفنگی اوضاع و عدم سازماندهی همراه است. بسیاری از افراد و گروه‌ها، درگیر جستجوی جنازه‌ها هستند و غالباً ارتباط، تعامل و هماهنگی آن‌ها مشکل است. تسریع در جستجو و پیدا کردن اجساد از اولویت برخوردار است، زیرا شناسایی اجساد در کاهش آلام روحی افراد زنده بسیار مؤثر می باشد. بایستی توجه داشت که جستجو و تفحص اجساد، نبایستی وقفه‌ای در امر کمک‌رسانی به نجات‌یافتگان ایجاد نماید. غالباً گروه‌های مختلف زیر، به صورت خودجوش و به طور همزمان اقدام به جستجو و تفحص می‌کنند: نیروهای مسلح، افراد داوطلب (مانند امدادگران جمعیت‌های صلیب سرخ/هلال احمر)، تیم‌های امدادی جستجو و نجات، نیروهای سازمان یافته مردمی (بسیج). (Morgan, 2009,21)

تعهد و التزام به جستجو و جمع آوری اجساد، تعهد به وسیله است. هر یک از طرف‌های درگیری، وظیفه دارد، کلیه تدابیر ممکن را برای جستجو و جمع آوری اجساد به کار بندد. این وظیفه شامل اعطای اجازه به سازمان‌های بشردوستانه، برای جستجو و جمع آوری اجساد درگذشتگان نیز می‌باشد. سازمان‌های بشردوستانه از جمله کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، در عمل نشان داده‌اند که در زمینه جستجو و جمع آوری اجساد درگذشتگان، اقدامات لازم را به عمل می‌آورند. بدیهی است که این سازمان‌ها در راستای انجام عملیات جستجو و جمع آوری، باید اجازه طرفی از درگیری را که کنترل ناحیه‌ی معینی از حوزه امدادرسانی در اختیار آن است، کسب نمایند. معهدا اعطای چنین اجازه‌ای به سازمان‌های بشردوستانه، نباید به طور خودسرانه مورد انکار قرار گیرد. (هنکرتز و دوسوالدبک، ۱۳۸۷:

(۵۹۰)



فصلنامه پژوهش حقوق اسلام و غرب - سال ششم - شماره دوم - پاییز ۱۳۸۸





به موجب ماده (۱۷) پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ طرف‌های مخاصمه، می‌توانند از افراد غیرنظامی تقاضا کنند که به جمع‌آوری و مراقبت از مجروحان و بیماران و غریقان، و جستجو برای یافتن درگذشتگان پرداخته و محل آن‌ها را گزارش کنند؛ طرف‌های مخاصمه از کسانی که به این درخواست پاسخ مثبت دهند، حمایت کرده و تسهیلات لازم را در اختیار آن‌ها خواهند گذارد. قصد تدوین کنندگان ماده (۱۷) پروتکل اول، آن بوده که حوزه عمل غیر نظامیان و نهادهای کمک‌کننده را به جستجوی اجساد درگذشتگان و گزارش محل آنها محدود نمایند، و مانع از آن شوند که این وظیفه به جمع‌آوری اجساد نیز گسترش یابد. (Sandoz et al, 1987: 733) اگرچه عملکرد گروه‌هایی که در ماده (۴) ۳۳ پروتکل اول مورد اشاره گرفته است، (از جمله کارکنان سازمان‌های بشردوستانه بین‌المللی) شامل جمع‌آوری اجساد می‌شود. بنابراین به نظر نمی‌رسد که این تناقض در دو مقررّه پروتکل الحاقی، در مورد سازمان‌های بشردوستانه که در جمع‌آوری اجساد مشارکت می‌نمایند، اعمال شود. به طور مثال کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و نهادهای ملی، نه تنها در جستجو و گزارش محل اجساد مشارکت می‌نمایند، بلکه در جمع‌آوری بقایای آنها نیز شرکت دارند. (Annual Report ICRC, 2017: 187) در طی عملیات جستجو، تمام اشیای متعلق به درگذشتگان و یا هرچیزی که در آن حوالی یافت شده، باید جمع‌آوری گردد. چرا که این اشیاء، می‌تواند در راستای تشخیص هویت دارندگان و یا اطلاع از مفقودین مؤثر واقع گردد. (Pictet, 1960, 133)

۱-۱-۱. درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی

وظیفه‌ی جستجوی اجساد در درگیری‌های بین‌المللی، نخستین بار در ماده (۳) کنوانسیون ۱۹۲۹ ژنو، در خصوص بهبود شرایط مجروحین و بیماران نیروهای شرکت‌کننده در جنگ تدوین شد:

«پس از هر درگیری، فاتح میدان نبرد، باید تدابیری را جهت جستجوی مجروحان و اجساد، اتخاذ نماید و از آنها در برابر غارت و بدرفتاری محافظت نماید. هرگاه شرایط اقتضا کند، طرف‌ها باید نسبت به آتش‌بس محدود یا تعلیق آتش توافق کنند، تا جمع‌آوری مجروحان باقیمانده، در بین خطوط جنگی ممکن شود.» این قاعده در کنوانسیون‌های





۱۹۴۹ ژنو نیز به رشته تحریر در آمده است. در ماده (۱۵) کنوانسیون اول ژنو در مورد بهبود سرنوشت مجروحین و بیماران نیروهای مسلح هنگام اردو کشی، اشاره شده است که: «دولت های متخاصم در هر حال و مخصوصا پس از شروع جنگ، باید بدون فوت وقت، تدابیر ممکنه را ... برای یافتن درگذشتگان اتخاذ نمایند و اجازه ندهند کسی اشیاء آنها را سرقت نماید.» همچنین در ماده (۱۸) کنوانسیون دوم ژنو و ماده (۱۶) کنوانسیون چهارم ژنو به ضرورت جستجوی اجساد درگذشتگان اشاره شده است.

۱-۲-۱. درگیری های مسلحانه غیر بین المللی

وظیفه ی جستجوی اجساد در درگیری های مسلحانه ی غیر بین المللی، در پروتکل الحاقی دوم، مدنظر قرار گرفته و ماده (۸) این سند مقرر داشته است: «هر زمان که اوضاع و احوال اجازه دهد به ویژه بعد از یک درگیری، باید بدون فوت وقت، اقدامات لازم ... برای جستجوی اجساد ... انجام شود.»

رعایت احترام به این قاعده شرط لازم و اجتناب ناپذیر برای حفظ احترام نسبت به قواعد دیگر از جمله قاعده ی ناظر بر اعاده بقایای اجساد، خاکسپاری محترمانه و شناسایی هویت اجساد است. همچنین بخش های زیادی از رویه های ناظر به جست و جو و جمع آوری مجروحین، بیماران و کشتی شکستگان نیز با این قاعده مرتبط است، چرا که نخستین مرحله بعد از اتمام هر درگیری جست و جو و جمع آوری اجساد همراه با مجروحین و بیماران است و اگر این مرحله حذف شود یا به طور کامل صورت نگیرد مراحل بعدی ممکن نمی شود. پس در اولین قدم را باید با دقت و حساسیت ویژه ای انجام داد.

۱-۲-۱. احترام به اجساد و خانواده های آنها

در نظام حقوق بین الملل بشردوستانه، دولت ها متعهدند که حرمت اجساد کشته شدگان را رعایت کنند؛ مثلا اگر مطابق مقررات مذهبی و عرفی یکی از طرفین جنگ، کشته شدگان و مردگان باید دفن شوند، طرف دیگر نباید اقدام به سوزاندن اجساد کند؛ حتی اگر این اقدام، منطبق با مقررات عرفی و مذهبی آن طرف باشد. (عباسی، ۱۳۹۵: ۲۷). در سال ۱۹۹۳ صلیب سرخ به مقامات و مسئولان یادآوری نمود که وظیفه ی خود مبنی بر جلوگیری از سوء رفتار نسبت به اجساد خودی و دولت دیگر را انجام دهند؛ حتی

فصلنامه پژوهش حقوق اسلام و غرب - سال ششم - شماره دوم - پائیز ۱۳۹۸





در صورتی که چنین رفتاری توسط نیروهای غیرنظامی صورت گرفته باشد. در سال بعد مجدداً توصیه نمود که دولت‌ها تعهد خود را مبنی بر احترام به اجساد و حفاظت از آن‌ها در برابر مثله شدن و رفتارهای تحقیر آمیز عمل نمایند. (غیبی، ۱۳۹۵: ۲)

متأسفانه در وضعیت خشونت‌های داخلی و درگیری‌های مسلحانه اخیر در رابطه با احترام به اجساد نگرانی و توجه کمی نشان داده شده است، واسناد ومدارکی که مرگ این افراد را تأیید می‌کند اغلب به خوبی نگهداری نمی‌شود. اجساد قربانیان یا بدون مراقبت رها شده‌اند و یا در گورهای دسته جمعی به خاک سپرده شده‌اند. حتی ممکن است اجسادی که به عنوان شواهدی دال بر جنایات و کشتارها هستند به منظور فرار از پاسخگویی در قبال جنایات ارتكابی از بین برده شوند. در نتیجه اغلب خانواده‌ها مطلع نمی‌شوند که یکی از بستگان آن‌ها فوت کرده است. سازمان‌های بشردوستانه پس از درگیری‌های مسلحانه یا خشونت‌های داخلی بایستی به طور فزاینده‌ای به جست‌وجوی اجساد و مکان‌های دفن آن‌ها پردازند. سازمان‌های بشردوستانه و تیم‌های تحقیق باید نقش مکمل خود را به خوبی انجام دهند و آموزش‌های لازم را در رابطه با اینکه چگونه اخبار بد را به خانواده‌ها اطلاع دهند، ببینند. و خانواده‌ها حداقل زمانی که از یافتن اطلاعات عزیزانشان نا امید می‌شوند مورد احترام قرار بگیرند.

حکمی که بیان می‌دارد بقایای اجساد باید محترم شمرده شوند، به عنوان یک تعهد کلی عینیت یافته است که شأن و منزلت افراد باید حفظ شود و هتک حرمت آن‌ها ممنوع است. در واقع هتک حرمت اجساد طبق اساسنامه رم جرم است و از مصادیق جنایات بین‌المللی است که تحت صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری قرار می‌گیرد. عناصر تشکیل دهنده این جرم مشخص است و لازم نیست که شخص از وجود جرم آگاه باشد. هم این جمله و هم لفظ «شخص» که در قید جنایت بودن ذکر شده است دلالت بر این دارد که این ماده اجساد را هم در برمی‌گیرد. مفهوم کلی احترام شامل جلوگیری از غارت اجساد است. منع کلی غارت اجساد برای محافظت جسد در مقابل کسانی است که به دنبال تصاحب

جهت از اجساد حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق اسلامی





اموال آن‌ها هستند. دادگاه نظامی ایالات متحده در نورنبرگ در قضیه پُل اظهار داشت: غارت اجساد در همه حال جرم است. دادگاه در هنگام اظهار نظر در رابطه با وسایل مردگان بیان داشت: سوءاستفاده از اجساد و بد رفتاری با آن‌ها ممنوع است و همچنین باید مثله کردن اجساد جلوگیری به عمل آید. (Petrig, 2009: 351)

مراجع صالح باید اطمینان حاصل کنند که با مردگان با احترام و کرامت رفتار شود. اجساد باید شناسایی و در قبرهای جداگانه و دارای علامت که در مکان‌های شناسایی و ثبت شده، دفن شوند. بقایای اجساد و لوازم وسایل شخصی آن‌ها باید به خانواده‌ها تحویل داده شود. و در مواردی که نبش قبر ضروری است باید اطمینان حاصل شود که هویت جسد و علت مرگش توسط مراجع و متخصصین واجد شرایط برای انجام نبش قبر مشخص شده باشد و آزمایشات لازم به صورت کامل و صحیح برای این امر انجام شده باشد. (Missing person, 2009, Art 21)

بر پایه ماده (۳۴) پروتکل اول ۱۹۷۷ بقایای اجساد اشخاصی که به دلایل مربوط به اشغال یا در مدت بازداشت ناشی از اشغال یا مخاصمات در گذشته‌اند، یا اجساد کسانی که تبعه کشوری که در آنجا در نتیجه مخاصمات فوت کرده‌اند نیستند، در صورتی که اجساد و مدفن آن‌ها از توجه مساعدتری به موجب کنوانسیون‌ها و این پروتکل برخوردار نباشند، می‌بایست آن‌گونه که در ماده (۱۳۰) کنوانسیون چهارم پیش‌بینی شده، مورد احترام قرار گرفته، نگهداری و علامت‌گذاری شود. بند (۱) ماده (۳۴)، در این رابطه خیلی موجز است و دارای ابهام است مقرر می‌دارد که: اجساد شناسایی شده باید مورد احترام باشند بدون این که توضیح بیش تری ارائه نماید. اساساً این مسئله موارد ذیل را در بر خواهد گرفت: جلوگیری از غارت اجساد و جلوگیری از در معرض دید عموم قرار دادن، و این امر نیز باید از طریق قرار دادن جسد در یک مکان مناسب قبل از دفن و سوزاندن باشد. اما راجع به احترام باید گفت که ماده (۱۳۰) اشاره به احترام نسبت به قبور می‌کند بدون این که توضیح اضافی بدهد. که در این ماده هم بسیار مختصر به بحث با اهمیت احترام به مزار

فصلنامه پژوهش حقوق اسلام و غرب - سال ششم - شماره دوم - زمستان ۱۳۸۸





در گذشتگان پرداخته شده است. البته این اشکال را می توان با این تفسیر رد نمود و آن اینکه این ماده موضوع احترام به قبور را به دلیل اهمیت بالا و صریح و آشکار بودن مفاد آن بسط نداده و از توضیحات اضافی در این رابطه خودداری نموده است. این ماده همچنین یک اصل مرتبط با قبور منفرد را مقرر می نماید و سوزندان اجساد را در شرایط استثنایی مجاز می دارد آن هم بنا به ضرورت های بهداشتی، بنا به علل ناشی از مذهب متوفی، یا به موجب خواست متوفی به آن صورت، به شرطی که آن خواست، صریح باشد. تکلیف حفظ خاکسترها و انتقال آن ها به نزدیک ترین خویشاوندان متوفی نیز مورد اشاره قرار گرفته است. این مقررات ناشی از احترام به اجساد و قبور است و باید به طور مناسب لحاظ شود. (Sandoz and et al,1987:368)

با توجه به مطالب مذکور سؤالی مطرح می شود و آن اینکه آیا لازمه احترام به اجساد نگهداری آن ها است یا دفن سریع و بدون شناسایی؟ ترس از اینکه بیماری های عفونی توسط اجساد به شدت شیوع پیدا می کند علی رغم دلایل و شواهدی که برای آن ذکر می کنند صحت ندارد و در واقع تحقیقات نشان داده است که مردگان و اجساد در حال تجزیه آن ها به هیچ وجه نمی توانند بیماری های واگیردار و عفونی را انتقال دهند و هیچ ویروسی بیش از ۴۸ ساعت در بدن مرده زنده نمی ماند، تنها ویروس HIV است که می تواند بیش از ۶ روز در بدن مرده زنده بماند. پس اجساد از این جهت مخاطره آمیز نیستند مگر زمانی که در معرض آب آشامیدنی قرار بگیرند و دلایلی که برخی مقامات برای دفن سریع و بدون شناسایی اجساد مبنی بر ضرر داشتن برای بهداشت عمومی و انتقال بیماری های مسری به آن متوسل می شوند، محکم و قابل استناد نیست و حتی الامکان باید جسد را بعد از شناسایی به خاک سپرد و این موضوع با احترام به اجساد ملازمه ی بیش تری دارد. (Tidball, Binz,2009:6) لیکن در برخی شرایط خاص ممکن است دلایل مهم دیگر از جمله نگرانی های مربوط به سلامت عمومی، تدفین سریع اجساد را ایجاب نماید و اجازه ندهد که شناسایی تمام افراد میسر شود؛ همان گونه که در چاد در سال ۲۰۰۸، انجام چنین امری توجیه پذیر بود (Oliver,2010,21) احترام به اجساد و خانواده های آن ها ذیل تک تک مباحث مربوط به تعهدات دولت ها قابل بحث است و هر کدام از تعهداتی که در این تحقیق





بحث می‌شود در واقع مصادیقی از بحث احترام به اجساد و خانواده‌های آنهاست و تفکیک آن در اینجا به خاطر اهمیت و ضرورت این موضوع در میان تعهدات طرفین درگیری است.

۱-۳. تشخیص هویت اجساد

هر یک از طرف‌های درگیری می‌بایست به منظور تشخیص هویت اجساد کلیه اطلاعات قابل حصول در مورد متوفی را قبل از تدفین ثبت نموده و محل دفن اجساد را علامت گذاری کنند. (هنکرتز و دوسالدهیک، ۱۳۸۷: ۶۰۳) این قاعده به واسطه لزوم رعایت احترام به زندگی خانوادگی و حق خانواده‌ها بر آگاهی از سرنوشت بستگان‌شان، استحکام بیشتری می‌یابد.

۱-۳-۱. تشخیص هویت در درگیری‌های مسلحانه بین المللی

تعهد و التزام به تشخیص هویت اجساد قبل از تدفین برای نخستین بار توسط کنوانسیون ۱۹۲۹ ژنو در خصوص بهبود شرایط مجروحین و بیماران نیروهای شرکت کننده در جنگ تدوین گردید. این الزام همراه با الزام راجع به ثبت جزئیات و مشخصات انتقال اطلاعات به طرف دیگر متخاصم و آژانس مرکزی جستجو، در کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو نیز مقرر گشته است.

ماده (۴) کنوانسیون ۱۹۲۹ در این باره بیان نموده است: دول متخاصم باید تضمین کنند که تدفین یا سوزاندن اجساد تنها پس از معاینه دقیق و در صورت امکان معاینه طبی صورت گیرد تا از وقوع مرگ اطمینان حاصل شده و هویت فرد احراز گردد تا بتوان علت فوت را گزارش داد. دولت‌های متخاصم همچنین باید تضمین کنند که مردگان با احترام دفن شده، قبور آنها محترم شمرده شده و به گونه‌ای مشخص شده باشند که همیشه بتوان آنها را پیدا کرد. به این منظور با شروع مخاصمات، دول متخاصم باید رسماً یک اداره قبور تشکیل دهند به طوری که نبش قبر ممکن باشد و هویت اجساد فارغ از این که در کجا دفن شده باشد، قابل تعیین باشد. ماده (۱۶) کنوانسیون اول ۱۹۴۹ نیز مقرر می‌دارد: دولت‌های متخاصم باید در اسرع اوقات ممکنه کلیه عوامل تشخیص هویت زخم‌داران و





بیماران و مردگان طرف متخاصم را که به دستشان افتاده‌اند ثبت نمایند. اطلاعات مزبور باید حاوی مطالب زیر باشد:

الف) تعیین دولت متبوع آنان، ب) صنف نظامی یا شماره، ج) نام خانوادگی، د) نام یا نام‌های کوچک، ه) تاریخ تولد، و) هرگونه اطلاعات دیگر که در کارت یا پلاک هویت مندرج باشد، تاریخ و محل دستگیری یا وفات، ح) اطلاعات مربوط به جراحات و بیماری یا علت فوت. همین ترتیبات در ماده (۱۹) کنوانسیون دوم ۱۹۴۹ نیز تصریح شده است که دول متخاصم باید در اسرع اوقات ممکنه کلیه عوامل تشخیص هویت (...مردگان طرف متخاصم را که به دستشان افتاده‌اند ثبت نمایند. اطلاعات مزبور باید در صورت امکان شامل مطالب زیر باشد:

الف) تعیین دولت متبوع آنان؛ ب) نوع خدمت یا شماره؛ ج) نام خانوادگی؛ د) نام یا نام‌های کوچک؛ ه) تاریخ تولد؛ و) هرگونه اطلاعات دیگری که در کارت یا پلاک هویت مندرج است؛ ز) تاریخ و محل دستگیری؛ ح) اطلاعات مربوط به جراحات و بیماری یا علت فوت. در رابطه با اسرای فوت شده هم اطلاعات مخصوص این افراد طبق تکلیف ماده (۱۲۰) کنوانسیون سوم باید در اسرع وقت به دفتر اطلاعات اسرا که طبق ماده (۱۲۲) تشکیل می‌شود ارسال شود. فوت هر بازداشتی توسط یک نفر پزشک معاینه و گواهینامه‌ای تنظیم خواهد شد که در آن علل فوت و اوضاع و احوال وقوع آن درج خواهد گردید.

۱-۳-۲. تشخیص هویت در درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی

لزوم شناسایی هویت اجساد قبل از تدفین در هیچ یک از مفاد حقوق معاهدات قابل اعمال بر درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی ملاحظه نشده است. با این وجود، رویه موجود حاکی از آن است که طرف‌های درگیر در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی نیز ملزم به رعایت این قاعده هستند. رویه مزبور دستورالعمل‌های نظامی را که در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی هم‌اکنون قابل اعمال بوده و یا پیش از این بموقع اجرا گذارده شده‌اند، نیز شامل می‌شود. از جمله: ماده (۲۰) نظام‌نامه آکسفورد مصوب ۱۸۸۰ مقرر می‌دارد: اجساد کشته‌شدگان نباید تا زمان جمع‌آوری تمام وسایل متوفی از جمله کتاب جیبی،





پلاک هویت و... که ممکن است به احراز هویت وی منجر شود به خاک سپرد. دستور العمل نظامی کشورهای مختلف نیز به اهمیت و ضرورت شناسایی قبل دفن پرداخته اند که به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود: دستورالعمل نظامی ۱۹۶۹ آرژانتین اظهار می‌دارد: مرده قبل از دفن باید شناسایی شود. دستورالعمل نیروی دفاع ۱۹۹۶ و ۲۰۰۶ استرالیا هم مقرر می‌دارد که: به محض مرگ هر یک از نظامیان اولین اقدامی که باید انجام بگیرد این است که اطلاعات زیر برای کمک به شناسایی فرد ثبت شود البته در دستورالعمل سال ۲۰۰۶ این اطلاعات ثبت شده به اداره ملی یا از طریق قدرت حامی به آژانس مرکزی ردیابی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ منتقل و در آن‌جا ثبت می‌شود. از جمله اطلاعات ذیل:

(الف) ملیت؛ (ب) نوع خدمت یا شماره؛ (ج) نام و نام خانوادگی؛ (د) تاریخ تولد؛ مذهب یا هر اطلاعات دیگری که بر روی پلاک یا لباس آن‌ها مندرج است؛ (ه) تاریخ و علت مرگ و اگر بدن متوفی دفن شده است مکان دقیق دفن برای انجام تحقیقات آینده و انجام نبش قبر. به علاوه دستورالعمل قانون جنگ ۱۹۸۳ بلژیک نیز می‌گوید: طرفین درگیر در جنگ باید... اجساد را شناسایی کنند. (Belgium, Law of War Manual, 1983) (49) رویه قابل ذکر دیگر مربوط به دولت فیلیپین است که پس از هر درگیری به جمع‌آوری اطلاعات راجع به شورشیان متوفی می‌پردازد و اجساد را جمع‌آوری و به نزدیک‌ترین سردخانه منتقل می‌کنند. (هنکرتز و دوسوالدبک، ۱۳۸۷: ۶۰۶).

تکلیف تشخیص هویت اجساد تعهد به وسیله است و طرف‌های متخاصم می‌بایست از هیچ کوششی در این راه دریغ نکرده و از کلیه امکانات در دسترس بهره‌برداری کنند. بر طبق رویه‌های گزارش شده، تدابیر مناسب مدنظر عبارت‌اند از: جمع‌آوری نصف پلاک شناسایی، کالبد شکافی، ثبت گزارش کالبدشکافی، ثبت گواهی فوت، ثبت تدفین جسد متوفی، دفن در گور انفرادی، ممنوعیت تدفین دسته جمعی قبل از شناسایی هویت اجساد و علامت‌گذاری مناسب محل تدفین. همچنین نبش قبر به انضمام آزمایش‌های پزشکی قانونی از جمله آزمایش DNA به عنوان روش‌های مقتضی جهت تشخیص هویت جسد متوفی پس از تدفین می‌باشد. (هنکرتز و دوسوالدبک، ۱۳۸۷: ۶۰۷-۶۰۵)





فرآیند شناسایی اجساد مفقودان با انتقال یا بازگرداندن بقایای اجساد به محل خاص خود آغاز می‌شود. نبش قبر به معنای شکافتن قبر است به طوری که آثار بدن مرده ظاهر شود پس صدق نبش قبر متوقف بر آن است که جسد مرده بروز پیدا کند. (باقریان، ۱۳۹۳: ۱۵۷) نبش قبر با خارج کردن بدن دفن شده از محل دفن، گورستان تعیین شده و یا جاهای دیگر که بدون علامت است، انجام می‌شود. نبش قبر با اهداف مختلف صورت می‌گیرد. از جمله: بازگرداندن جسد به خانواده‌ی وی برای انجام مراسم تدفین و عزاداری به منظور کاهش و التیام درد خانواده داغدار، کشف اسناد و مدارکی دال بر صدمات و شواهد دیگر برای اقدامات قانونی، کشف موارد نقض حقوق بشر، جست‌وجوی سرنخ‌هایی که ممکن است در بازسازی تاریخی از وقایع و نشانه‌های برای ایجاد آگاهی و...؛ روش‌های قابل قبول شناسایی شامل: معاینات چشمی براساس ویژگی‌های اندازه‌گیری بدن انسان مانند: سن، جنس، قد، شناسایی از طریق ویژگی‌های منحصر به فرد، شناسایی با استفاده از رادیولوژی، شناسایی از طریق دندان‌ها (سوابق دندان پزشکی قانونی) و شناسایی از طریق DNA است. اغلب روش‌های شناسایی و تشخیص هویت در مورد افراد مفقود مفید هستند. از جمله آزمایش DNA که بسیار تخصصی هستند و کار با آن‌ها خواستار پرسنل آموزش دیده و همچنین تجهیزات گران هستند. پس از بررسی و تجزیه-تحلیل کامل، اجساد که قطعی شناسایی شده‌اند به بستگان‌شان تحویل داده می‌شود (Olumbe Krisasi, 2002, 896) با نگاهی به ظاهر دو تعهد اخیر به نوعی تعارض بین قواعد کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی برمی‌خوریم از یک طرف احترام به اجساد و عدم تعرض به مزار آن‌ها و از طرف دیگر تکلیف به نبش قبر، تحت شرایطی خاص، که نقدی است بر این قواعد که مهمترین منابع مربوط به اجساد درگذشتگان محسوب می‌شوند. به علاوه با وجود این تدابیر و رویه‌های که اندیشیده شده است در عمل شاهد ناکارآمدی و ضعف این اقدامات هستیم چرا که شمار مفقودان و افرادی که بدون شناسایی به خاک سپرده یا سوزانده می‌شوند بسیار زیاد و نگران کننده است از جمله نگران کننده‌ترین این آمار، شمار سنگین مفقودان و بی‌اطلاعی از هویت هزاران نفر از قربانیان جنگ ایران-عراق، عراق-کویت و آمریکا-عراق است، بیش از نیم میلیون عراقی در طی این جنگ‌های مفقود و یا بدون احراز





هویت باقی ماندند- (https://www.icmp.int/where-we-work/middle-east-and-north-africa/iraq/). آمارها نشان می‌دهد در طول سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ بین ۲۵۰,۰۰۰ تا یک میلیون نفر در طول دهه‌ها منازعه و نقض‌های حقوق بشری مفقود شده اند (UN Human Rights Council, A/HRC/22/NGO /157). با این حال اقدامات نیروهای مسلح ایران در تدوین و اجرای برنامه وسیع جستجوی اجساد و تشخیص هویت آنان چشمگیر و قابل توجه بوده است و می‌تواند تجربه مهمی در این زمینه برای فعالیت‌های بشردوستانه باشد.

۴-۱. بازگرداندن اجساد و لوازم شخصی آنها

طرف‌های درگیری وظیفه دارند مساعی خود را جهت تسهیل در امر بازگرداندن بقایای جسد متوفی، بمحض درخواست نزدیکان متوفی، بکار بندند. لوازم شخصی آنان نیز باید اعاده گردد. البته باید توجه داشت تا نزدیکان متوفی درخواست بازگرداندن جسد و بقایای آن را نمایند این تعهد قابل اعمال نیست و مسئولان و طرف‌های درگیری الزامی به بازگرداندن جسد برای انجام مراسمات مخصوص بدون تقاضای بستگان، ندارند.

در رابطه با وسایل افراد حاضر در جنگ بخصوص اتباع دشمن فارغ از اجساد و بدن‌های آنها، تا سال ۱۹۱۴، مطابق اصل حاکم بر وضع اموال حاکم بر کشورها در قلمرو دشمن، مالکیت خصوصی اتباع دشمن مورد احترام و رعایت بود، اما مالکیت عمومی یا دولتی تابع قاعده‌ی مصادره می‌گردید. این اصل مبتنی بر مواد (۴۶) تا (۴۸) مقررات عهدنامه‌ی ۱۹۰۷ لاهه بود. با آغاز جنگ جهانی، این قاعد کاملاً نادیده انگاشته شد و اصلی مغایر با آن حاکم گردید که به موجب آن هر یک از کشورهای متخاصم می‌تواند اموال خصوصی اتباع کشورهای دشمن در حال جنگ را اعم از منقول و غیر منقول مصادره و ضبط نماید. در سال‌های میانی ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ کشورهای متخاصم تصمیمات کاملاً متفاوتی در این زمینه اتخاذ نمودند که تقریباً تمامی آنها محدود کننده‌ی حق مالکیت خصوصی اتباع دشمن بود. معاهدات صلح ۱۹۱۹ به این تصمیمات نادرست اعتبار حقوقی بخشید. که براساس این معاهدات مالکان حق هیچگونه ادعا و اعتراضی در مورد اموال ضبط شده‌ی خود را نداشته و نمی‌توانستند اموال خود را از متصرف طلب نمایند. برخلاف رویه‌ی عمومی





کشورها در دو جنگ گذشته، امروزه نمی‌توان به این گونه عملکردهای غیر حقوقی استناد نمود و مالکیت خصوصی اتباع دشمن را نادیده گرفت و اموال آنها واقع در قلمرو طرف متخاصم را موضوع مصادره و ضبط قرار داد. مقررات ۱۹۰۷ لاهه و عهدنامه ۱۹۴۹ ژنو مربوط به حمایت از افراد غیر نظامی در زمان جنگ و پروتکل شماره یک الحاقی آن در سال ۱۹۷۷ به این نظر ارزش حقوقی لازم را می‌بخشد. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۲: ۱۴۴-۱۴۵) رویه دولت‌ها این قاعده را به منزله یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل در هردو زمینه درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی قابل اعمال می‌داند.

۱-۴-۱. درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی

قاعده‌ی ناظر به بازگرداندن بقایای اجساد متوفی، مبتنی بر مفاد کنوانسیون‌های ژنو

است:

ماده (۱۷) (بند سوم) کنوانسیون اول اظهار می‌دارد: (...دولت‌های متخاصم برای این منظور در بدو شروع مخاصمات رسماً یک اداره قبور تشکیل خواهند داد... و احیاناً آنها را به کشور اصلی خودشان انتقال دهد. این مقررات درباره‌ی خاکستر اجساد نیز معتبر است و اداره‌ی قبور باید خاکسترها را نگاهداری کند تا زمانی که کشور اصلی اطلاع دهد چه اقداماتی مایل است درباره‌ی آنها به عمل آید.... بازداشتیان متوفی انفراداً دفن خواهند شد مگر در صورتی که به علت قوه‌ی قاهره دفن آنها در یک قبر مشترک اضطراراً ضرورت یابد و اجساد را نمی‌توان سوزاند مگر به جهت ضرورت بهداشت و یا به علت کیش متوفی و یا در صورتی که خود متوفی خواسته باشد در صورت سوزاندن جسد مراتب با ذکر علل در گواهی فوت متوفی درج خواهد شد. خاکستر آنها توسط مقامات بازداشت کننده نگاهداشته می‌شود و در اسرع وقت به نزدیکان متوفی در صورتی که تقاضا کنند تسلیم خواهد گردید. دولت‌های متخاصم اسناد فوت یا صورت‌های متوفیات را که رسماً گواهی شده باشد و تنظیم از مجرای مذکور در بند بالا برای یکدیگر ارسال خواهند داشت. همچنین نصف پلاک دوبرگه هویت و وصیت‌نامه یا هر سند دیگری که برای خانواده متوفی اهمیت داشته باشد و وجوه نقدی و به طور کلی تمام اشیایی را که به خودی خود یا به اعتبار علائق محبت قیمتی باشد و روی جسد مردگان یافت شود جمع‌آوری و از طریق





همان دفتر (دفتر اطلاعات موضوع ماده ۱۲۲ کنوانسیون ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹) برای یکدیگر ارسال خواهند داشت . این اشیاء و همچنین اشیاء مجهول المالک در بسته‌های مهمور به انضمام اظهار نامه که حاوی کلیه توضیحات لازم جهت تشخیص هویت مالک متوفای آن‌ها باشد ارسال خواهد گردید. صورت کامل محتویات هر بسته باید به ان ضمیمه شود. علاوه بر بند سوم ماده (۱۷) کنوانسیون اول، ماده (۱۲۰) کنوانسیون سوم و ماده (۱۳۰) کنوانسیون چهارم هم به بحث بازگردانی بقایای اجساد و وسایل آن‌ها به موطن و خانواده‌های آنها پرداخته اند که مجال پرداختن به تمامی این مواد در این بحث وجود ندارد. لازم به ذکر است که در کنوانسیون دوم در این رابطه مقرره‌ای وجود ندارد. به محض این که اوضاع و روابط بین طرف‌های مخاصمه اجازه دهد طرف‌های معظم متعهدی که در قلمرو آن‌ها مدفون و برحسب مورد سایر محل‌های دفن اجساد اشخاصی قرار دارد که بر اثر مخاصمات یا در مدت زمان اشغال یا بازداشت فوت کرده‌اند، موافقت-نامه‌هایی را منعقد خواهند کرد تا :

- دسترسی بستگان متوفی و نمایندگان ادارات رسمی ثبت متوفیات به این قبور تسهیل شده و نیز ترتیبات عملی برای این دسترسی‌ها تنظیم گردد.
- از این قبور به طور دائمی حمایت و نگهداری شود.
- بازگرداندن اجساد درگذشتگان و وسایل شخصی آن‌ها به کشور موطن‌شان بنا به درخواست ان کشور و چنانچه کشور مربوطه مخالف نباشد، بنا به درخواست نزدیک‌ترین خویشاوندان آن‌ها، تسهیل گردد.

۱-۴-۲. درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی

در زمینه‌ی درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی، هیچ نوع مفاد قراردادی در زمینه اتخاذ تدابیر جهت انتقال بقایای اجساد وجود ندارد. با این حال توافق‌نامه‌هایی چند درباره‌ی این موضوع یافت شده‌اند. از جمله برنامه اقدام کمیسیون مشترک برای یافتن مفقودین و بقایای اجساد، موافقت‌نامه جامع در مورد رعایت حقوق بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه در فیلیپین. در عین حال رویه‌های دیگری در این زمینه یافت شده‌است، از جمله مبادله بقایای اجساد ۱۰۰۰ سرباز سریلانکایی با بقایای اجساد جنگجویان بیرهای آزادی بخش تایلند که





تحت نظارت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در سال ۱۹۹۸ صورت پذیرفت. برنامه اقدام کمیسیون مشترک برای یافتن مفقودین و بقایای اجساد در پیشنهاد ۲,۱ خود در سال ۱۹۹۱، به درخواست طرفی که جسد متعلق به آن است، طرفین درگیری باید تحویل بقایای اجساد را سازماندهی و مدیریت کنند. (Henckaerts, Doswald-Beck, 2005:252)

۱-۵. دفن اجساد درگذشتگان و حفاظت از مزار آنها

تمام اجساد شناسایی شده را بایستی به خانواده و بستگان آنها تحویل داد تا مطابق با آداب و سنن خود، آنها را دفن کنند. در صورتی که برخی از اجساد شناسایی نشده باشند لازم است آنها را در محل‌های مخصوص برای مدت طولانی‌تر نگهداری کنند. خطر تهدید بهداشت عمومی، نمی‌تواند بهانه‌ای باشد که جنازه‌ها را به سرعت در گورهای جمعی دفن کنند. عجله کردن در دفن اجساد بدون آنکه شناسایی شده باشند موجب وارد آمدن ضربه‌ی روحی به بازماندگان آنها و جامعه شده و امکان دارد به لحاظ حقوق نیز عواقبی در پی داشته باشد. (Henckaerts, Doswald-Beck, 2005:252) محل دفن اجساد بایستی اصولی و منطقی انتخاب شود برای تعیین محل دفن اجساد بایستی شرایط خاک، امکان آب‌گرفتگی محل متوفای خالی مناسب را در نظر گرفت. محل دفن اجساد باید مشخص و علامت‌گذاری شده باشد و نیز نزدیک و قابل دسترس برای بازماندگان باشد. در صورت امکان اجساد بایستی در قبرهای جداگانه، مشخص و علامت‌دار دفن شوند؛ لیکن بایستی توجه داشت در صورت بروز تلفات زیاد انسانی، ایجاد گور دسته‌جمعی اجتناب‌ناپذیر است. دلیل ایجاد گورهای دسته‌جمعی ممکن است ناشی از کثرت اجساد و عدم تکافوی گور و نگرانی از شیوع بیماری‌های عفونی باشد، همچنین فشارهای سیاسی ناشی از انتشار شایعات، مسئولین مربوطه را وادار به اقدامات عجولانه‌ای همچون دفن فوری اجساد در گورهای دسته‌جمعی می‌نماید علاوه بر این ممکن است با نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مرتکبین جنایات بخواهند که از طریق ایجاد گورهای دسته‌جمعی ادله‌ی موجود را از بین ببرند، گورهای دسته‌جمعی به صورت کانالی است با یک دیوار مجزا کننده که اجساد قربانیان در طول آن و به موازات هم و به فاصله ۴۰ سانتی





متر از یکدیگر قرار داده می‌شوند. (غیبی، ۱۳۹۵: ۵) گورستان دسته‌جمعی^۱ به گور بزرگی است که معمولاً شامل اجساد ده‌ها انسان ناشناس است. هیچ تعریف دقیقی برای تعداد اجساد یک گورستان دسته‌جمعی وجود ندارد. بنابراین تعهد به جستجو در گذشتگان و ممانعت از چپاول آن‌ها هم در مورد سربازان دشمن و هم اتباع خودی قابلیت اعمال دارد. هر جسد بایستی همراه با شماره شناسایی مخصوص به خود دفن شود این شماره باید در سطح خاک به طریقی حک شده و در نقشه‌ای که از محل دفن تهیه می‌گردد ثبت شود. طبق دستورات و سنن برخی مذاهب به هنگام قرار دادن جنازه در قبر صورت آن‌ها بایستی به سمت و جهت خاصی باشد (به طرف مشرق، مگه و...). (oliver, 2010: 22). مقررات معاهداتی همچنین اشاره می‌دارد که مقبره‌ها بایستی محترم شمرده شده و به‌طور شایسته‌ای مورد محافظت قرار گیرند.

فصلنامه پژوهش‌های حقوقی اسلام و غرب - سال ششم - شماره دوم - پاییز ۱۳۹۸

۲. شأن و منزلت اجساد در مخاصمات از منظر فقه اسلامی

کرامت ذاتی انسان که منشا آن فیض و رحمت خالق هستی است (ولقد کرّمنا بنی آدم) ضرورت احترام انسان‌ها به همدیگر را در پی دارد، در دیدگاه اسلامی این احترام محدود به حیات دنیوی نیست بلکه حرمت و منزلت آدمی بعد از مرگ از جمله در حق جسد او نیز ادامه دارد. در قرآن کریم نشانه‌هایی از این حرمت و جایگاه اجساد مشاهده می‌شود از جمله اشاره به آموزش دفن جسد در قصه هابیل و قابیل (مائده: ۳۱). اما در سیره نبوی و روایات معصومین علیهم السلام مساله حرمت اجساد در موقعیت‌های مختلف مورد توجه قرار رفته است. از پیامبر خدا ص نقل شده که گرامی داشتن مرده تسریع در تجهیز و دفن او است (صدوق، ۱۴۱۳: ۱۴۰). همچنین فرمود: شکستن استخوان مرده مومن همچون شکستن استخوان او در حال حیات اوست (نوری، ۱۴۰۸، ج ۹: ۱۴۲). احترام به اجساد مردگان در روایات ائمه معصومین (ع) ذیل عناوین حرمت قطع اعضای میت (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹: ۳۲۸-۳۲۹)، ضرورت تجهیز و خاکسپاری فوری جسد میت (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲:



1 Mass grave



۴۷۲-۴۷۳) ، تحقق دیه بر عهده شخصی که اعضای میت را قطع کند یا بر جسد او جراحی وارد آورد (حر عاملی ، ۱۴۰۹ ، ج ۲۹ : ۳۲۵-۳۲۷) وارد شده است که مباحث مختلفی را در حقوق اسلامی در پی داشته است. (امامی و شوپای جویباری ، ۱۳۹۵ : ۳۷-۳۸) . فقیهان مسلمان به تبع آموزه های قرآن و سنت در کتب فقهی و رساله های احکام عملی ، صدها مساله و حکم فقهی در باب ضرورت و آداب دفن اموات بیان نموده اند که ورود به این مسائل خارج از موضوع بحث یعنی حرمت اجساد دشمن در مخاصمات است. در ادامه دیدگاه اسلامی راجع به حرمت و منزلت اجساد در مخاصمات مسلحانه در قالب عناوین منع قطع عضو، دفن اجساد، منع غارت اجساد و حکم کالبدشکافی بررسی و تبیین می شود.

۲-۱. منع مثله کردن اجساد دشمن

در متون اسلامی از قطع عضو به مثله کردن اجساد تعبیر شده است . مثله کردن عبارت است از قطع یک یا چند عضو از انسان پیش از مرگ یا پس از آن، که موجب اهانت به او باشد. بریدن گوش، درآوردن چشم، شکستن سر، قطع کردن دست‌ها، پاها، زبان، بریدن بینی و شکافتن شکم کشته شدگان، (عبدالقادر ابوفارس، ۱۳۹۴:۲۸۴) . مثله کردن اجساد دشمن در سیره نبوی و احادیث امامان معصوم نهی شده است و این کار با توجه به وضعیت جامعه عصر نبوت پیامبر اسلام در حد خود نوآوری و در جهت مخالف با رویه رایج آن عصر بوده است . این ممنوعیت مطلق بوده و ارتکاب این عمل را حتی در مقام مقابله به مثل نیز منع کرده است . نظر به اینکه برخی گروه های تکفیری نسبت به مخالفان خود در مخاصمات مسلحانه سال های اخیر اقدام به قطع عضو و سوزاندن اجساد آنان نموده اند تبیین و ترسیم مبانی و مستندات این قاعده در منابع فقه اسلامی ضرورت دارد و در ادامه بحث بدان پرداخته شده است.

۲-۱-۱. قرآن و سنت

« وقاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم و لا تعتدوا ان الله لایحب المعتدین» (بقره: ۱۹۰) « و در راه خدا، با کسانی که با شما می جنگند، نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید، که خدا تعدی کنندگان را دوست نمی دارد.» بسیاری از مفسران شیعه و اهل تسنن در کنار





کشتن زنان ، کودکان و سالخوردهگان ، عمل مثله کردن اجساد را به عنوان مصداق تعدی مورد نظر این آیه شریفه دانسته اند و بر عدم جواز آن تصریح نموده اند.^۱
- آیه دیگری که در منع مثله کردن اجساد مورد استناد قرار گرفته است آیه ۱۲۶ سوره نحل است که می فرماید :

« وان عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما عوقبتهم به و لئن صبرتم لهو خیر للصابرین. » « اگر عقوبت کنید پس عقوبت نمایید به مانند آنچه عقوبت شدید به آن و اگر صبر نمایید هر آینه برای صبر کنندگان بهتر است. » روایاتی از فریقین (شیعه و اهل تسنن) وارد شده است که این آیه به هنگام بازگشت رسول خدا (ص) از احد نازل شده است و به نقل از تفسیر عیاشی از امام صادق ع نقل قول می نماید که رسول خدا ص با مشاهده آنچه که بر حمزه بن عبدالمطلب توسط مشرکان قریش انجام شده بود به درگاه الهی تضرع کرد و وعده مثله کردن آنان را داد تا این آیه شریفه نازل شد و رسول الله (ص) فرمود صبر می نمایم. نیز علامه در المیزان به نقل از ابن عباس در تفسیر الدر المنثور آورده است که رسول خدا (ص) پس از نزول این آیه فرمودند صبر می نمایم و از مثله کردن دشمنان نهی کردند. طباطبایی ، ۱۴۱۷: ۳۷۷-۳۷۵). در تفاسیر دیگر نیز همین مضمون بیان شده است^۲. البته در تفسیر تبیان به نقل از برخی روایات آمده است که این جمله را که ما نیز اجساد دشمن را

پایه پژوهش حقوق اسلام و فقه امامیه
شماره دوم - پاییز ۱۳۸۸

۱- برای نمونه در تفاسیر شیعه : تفسیر الصافی ، فیض کاشانی ، ج ۱: ۲۲۸؛ زبده البیان فی احکام القرآن ، مقدس اردبیلی : ۳۰۶-۳۰۷؛ فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام ، قطب الدین راوندی ، ج ۱: ۳۳۱؛ آیات الاحکام ، سید امیر ابوالفتح حسینی جرجانی ، ج ۲: ۶-۷ و در تفاسیر اهل سنت مراجعه شود به : انوار التنزیل و اسرار التاویل ، بیضاوی ، ج ۱: ۱۲۸؛ تفسیر القرآن العظیم ، ابن کثیر دمشقی ، ج ۱: ۳۸۷. در این تفاسیر به صراحت مثله کردن بدن دشمن مصداق تعدی ذکر شده است علامه طباطبایی در المیزان ج ۲ نیز نهی از اعتدا در این آیه را نهی مطلق دانسته اند و فرموده اند هر عملی است که عنوان تجاوز بر آن صدق نماید مانند کشتن زنان و کودکان و مانند آن که مثله کردن هم می تواند مصداقی از این اعتدا باشد.

۲- برای نمونه در تفاسیر شیعه رجوع شود به : الطبرسی ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن ، ج ۵: ۶۰۵؛ مکارم شیرازی ، تفسیر نمونه ، ج ۱۱: ۴۵۸-۴۵۷؛ سید عبدالحسین طیب ، اطیب البیان فی تفسیر القرآن ج ۸: ۲۱۱ و در تفاسیر اهل سنت رجوع شود به : زمخشری ، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل ، ج ۲: ۶۴۴-۶۴۵؛ وهبه الزحیلی ، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج ، ج ۱۴: ۲۷۱.





مثله می کنیم گروهی از مسلمانان گفته اند (طوسی ، ۱۴۰۷ ، ج ۶ : ۴۴۰). برخی محققان نیز این روایت از نبی مکرم (ص) را که در هنگام مشاهده جسد حمزه (ره) نقل شده مردود دانسته اند و معتقدند این واکنش از پیامبر نبوده بلکه از سوی برخی اصحاب بوده و رسول الله (ص) دیگران را از مثله کردن نهی کرده اند زیرا آنچه صحیح به نظر می رسد و با جایگاه رفیع اخلاقی حضرت مناسبت دارد همین است (میانجی ، ۱۴۱۷ : ۲۵۱). در هر حال چنانچه گفته شود که این آیه دلالت بر ممنوعیت و تحریم مثله ندارد و بلکه ترک آن را بهتر می داند سیره نبوی در تمام جنگ ها و دستورات صریحی که بر منع مثله کردن داده اند گویای حکم تحریم این عمل است . این روایت به طرق مختلف از نبی مکرم اسلام نقل شده است که به هنگام اعزام نیروهای مجاهد برای جنگ با مشرکان به آنان فرمان می داد تا برای خدا و بر اساس سیره او بجنگند و از خیانت و مثله کردن خودداری نمایند (کلینی ، ۱۴۰۷ : ۲۷-۲۹ ؛ حر عاملی ، ۱۴۰۹ ، ج ۱۵ ، ۵۸ ؛ مجلسی ، ۱۴۰۴ ، ج ۱۹ ، ۱۷۷ ؛ طوسی ، ۱۴۰۷ ، ج ۶ : ۱۳۸). علاوه بر منابع روایی ، در کتب تاریخی نیز همین موضع پیامبر اسلام در منع کردن از مثله اجساد دشمن نقل شده است و حکایت از سیره نبوی در این زمینه دارد . (ابن اسحاق ، ۱۴۱۰ : ۳۳۵ ؛ ابن هشام ، بی تا : ۹۶) . نهی از مثله کردن مطلق است و اقدام به این عمل را از باب مقابله به مثل نیز شامل می شود زیرا علاوه بر آیه شریفه که دعوت به صبر و پرهیز از انتقام و مقابله به مثل می نماید احادیث و سیره نبوی نیز بر همین امر دلالت دارد. اگر بخواهیم موضوع را در جنگ های داخلی مسلمانان نیز تعقیب نماییم مراجعه به روایات و سیره امام علی (ع) راهگشا و معیار است . شیخ کلینی (ره) در کتاب شریف کافی از قول جناب از امیرالمومنین (ع) نقل می نماید: « زمانیکه بر دشمن پیروز شدید فراریان را نکشید ، کار مجروحان را تمام نکنید و عورتی را آشکار ننمایید و کشتگان را مثله نکنید» . (کلینی ، ۱۴۰۷ : ۳۸). این فرمان امام علی (ع) و سیره آن حضرت مبنی بر منع مثله کردن کشته های دشمن در کتب روایی متعدد نقل شده است (حر عاملی ، ۱۴۰۹ ، ج ۱۵ : ۹۲ ؛ نوری ، ۱۴۰۸ ، ج ۱۱ : ۸۶ ؛ مجلسی ، ۱۴۰۴ ، ج ۳۳ : ۴۴۸). این موضع امام (ع) یک معیار برای ممنوعیت مثله کردن اجساد در مخاصمات مسلحانه داخلی مسلمانان است ؛ معیاری که در تعارض با آن ، گروه های مسلح تکفیری در مخاصمات





سال های اخیر بویژه در عراق و سوریه ، اقدام به سوزاندن ، سربریدن و قطع دیگر اعضای گروه های مسلمان و غیر مسلمان از ساکنان سرزمین های اسلامی نمودند. این اقدامات نه تنها با سخنان و رفتار عملی امیرالمومنین (ع) در تعارض است بلکه با احادیث و سیره نبوی در پرهیز از مثله کردن اجساد کافران و مشرکان نیز سازگاری ندارد.

وصیت امام علی (ع) قبل از شهادت به فرزندانشان که سید رضی (ره) در نهج البلاغه نقل کرده است خود سند عظمت امام و درسی برای جامعه بشری است آنجا که می فرماید : (... مبادا پس از من دست به خون مسلمین فرو برید و بگویید امیرمومنان کشته شد . بدانید جز کشته من کسی دیگر نباید کشته شود. درست بنگرید اگر من از ضربت او مردم ، او را تنها یک ضربت بزنید و دست و پا و دیگر اعضای او را نبرید . من از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود : پرهیزید از قطع اعضای مرده ، هر چند سگ هار باشد. (نهج البلاغه : نامه ۴۷) همین مضمون در کتب روایی دیگر نقل شده و امیرالمومنین (ع) از مثله کردن قاتل خویش نهی نموده اند (مجلسی ، ۱۴۰۴ ، ج ۴۲ : ۲۰۶ ؛ نوری ، ۱۴۰۸ ، ج ۱۸ : ۲۵۶). این موضع گیری امام علیه السلام نیز معیاری برای نحوه مبارزه با تروریسم است ؛ چه اینکه آن حضرت نسبت به کسی که رهبر جامعه اسلامی را ترور کرده است سفارش به رعایت اصول اخلاقی و احسان در مدت بازداشت و قبل از قصاص می نماید و پیروان خود را از کاربرد شیوه های غیر اخلاقی در قبال این چنین افرادی نهی می کند. ارزش و اهمیت این موضع کریمانه و بی نظیر امام (ع) در شرایط فعلی قابل درک است که مدعیان مبارزه با تروریسم و قدرت های بزرگ جهانی برای این مبارزه دروغین خود بمباران و هدف قرار دادن غیر نظامیان را موجه می دانند.

۲-۱-۲. دیدگاه فقها

مطابق آنچه که مرحوم صاحب جواهر بیان داشته اند مثله کردن اجساد در حالت جنگ و غیر جنگ ، پس از مرگ و قبل از آن حتی در حالتی که این عمل نسبت به مسلمانان انجام شده باشد جائز نیست . بنابر این از باب مقابله به مثل نیز این کار را تجویز نمی نماید اگر چه می فرماید مقتضای آیه شریفه و الحرمات قصاص جواز این کار از باب قصاص و مقابله به مثل است اما نتیجه گیری کرده است که اقتضای اطلاق روایات و فتاوی فقها عدم

فصلنامه پژوهش حقوق اسلام و غرب - سال ششم - شماره دوم - پیاپی ۱۳۸





جواز این عمل از باب مقابله است. (نجفی، ۱۴۰۴: ۷۷-۷۸). در کتب فقهی دیگر نیز فقهای بزرگ شیعه به حرمت مثله کردن اجساد فتوی داده اند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۹؛ شهید اول، ۱۴۱۷: ۳۳؛ محقق حلی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۱۱۲). شهید سید محمدباقر صدر از فقهای معاصر نیز حرمت مثله را مقتضای نص روایات و اجماع فقها دانسته است. از امام خمینی (ره) نیز در جریان جنگ عراق علیه ایران استفتا شده است آیا مثله کردن کشته های دشمن در جبهه های جنگ یعنی بریدن گوش، دماغ و سایر اعضا جایز است یا خیر؟ فرموده اند مثله کردن جایز نیست و باید از آن اجتناب شود و شما که رزمندگان اسلام هستید اجتناب می کنید ولی دشمنان، به اسلام پایبند نیستند. از عبارت اخیر پاسخ امام استفاده می شود حتی اگر دشمن پایبند به این حکم اسلامی نباشد و مرتکب این کار گردد شما نباید این کار انجام دهید و مقابله به مثل نمایید. فقهای اهل سنت نیز قائل به حرمت مثله کردن هستند اما اغلب به عنوان قصاص و مقابله به مثل آن را جایز می دانند. (لطفی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۳۲). در این دیدگاه، طبق ظاهر آیه ۱۹۴ سوره بقره که می فرماید تمام حرام ها (قابل) قصاص است. و (بطور کلی) هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی کنید و از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید (وزیاده روی ننمایید) و بدانید خدا با پرهیزکاران است؛ معتقدند در صورتی که دشمن، مسلمانی را مثله نماید مسلمانان نیز می توانند به عنوان قصاص یا مقابله به مثل او را مثله نمایند. اما سوال این است که آیه شریفه در مقام بیان اصل مشروعیت مماثلت در قصاص است یا مماثلت در کیفیت قصاص. حالت اول مستند و مستظهر به آیات دیگر قصاص است که می فرماید نفس در مقابل نفس و چشم در مقابل چشم و گوش در مقابل گوش؛ اما حالت دوم یعنی مماثلت در کیفیت قصاص، به این معنا که اگر جانی مثله کرد شما نیز حق مثله کردن دارید ظاهراً آیه شریفه در صدد بیان آن نیست و از سویی نمی توان با وجود روایاتی که بطور مطلق نهی از مثله می نماید، به عموم آیه استناد نمود. (لطفی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۲۴-۲۲۲).

۲-۲. دفن اجساد کشته شدگان از منظر فقه اسلامی

تمام انسان ها حق دارند که رفتار احترام آمیزی نسبت به آنان صورت پذیرد حتی اگر از دنیا رفته باشند. طبق مقررات اسلامی تمام اجساد باید به سرعت دفن گردند تا از فساد





آن‌ها جلوگیری شود. در قرآن کریم مساله دفن انسان مرده مورد توجه قرار گرفته و نحوه دفن جسد را در قضیه هاییل و قابیل به انسان آموزش داده است (مائده ۳۱). اما کیفیت و ابعاد این تعهد در روایات تبیین شده است که بدان اشاره می‌شود.

۲-۲-۱. روایات

دسته ای از روایاتی که در مورد دفن اجساد نقل شده روایاتی است که امر به دفن درگذشتگان را به طور مطلق اعم از مسلمان و غیر مسلمان، بیان می‌نماید. از اطلاق این گروه از روایات به دست می‌آید که دفن مرده کافر، جایز، بلکه در صورت آزار مردم و خوف از امراض واجب است. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۱۴۱؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۲۶۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ۷۹: ۴۶). گروه دیگری از روایات، بیانگر این نکته هستند که دفن مرده کافر آن گونه که مسلمان را غسل و کفن و دفن می‌نمایند جایز نیست (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۳۵-۳۳۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۵۱۴) اما دلالتی بر عدم جواز دفن به معنای آن که صرفاً زیر خاک قرار دهند ندارند. «به نظر می‌رسد نهی وارده در روایات در مورد دفن کفار، شامل موردی است که بخواهند جسد کفار را طبق احکام اسلامی غسل، کفن و دفن نمایند و الا صرف خاک کردن کشته دشمن جهت جلوگیری از تجزیه و متلاشی شدن آن در منطقه و ایجاد آلودگی‌های مختلف و حتی از باب احترام به مقررات بشردوستانه بین‌المللی، امری مطلوب و معقول می‌باشد. سیره پیامبر اکرم (ص) در مورد دفن کشته‌های قریش در جنگ بدر می‌تواند موید این امر باشد.» (لطفی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۸۶).

۲-۲-۲. دیدگاه فقها

دفن کردن میت مسلمان با کیفیت خاصی که در فتاوی فقها مشخص شده واجب است ولی دفن کردن کافر واجب نیست بلکه برخی از فقها آن را جایز ندانسته‌اند. عدم جواز دفن کافر حربی که در جنگ با مسلمانان کشته شود در همه کتب فقهی تصریح شده است. برای نمونه، محقق حلی و کاشف الغطاء عدم جواز دفن اجساد کافر حربی را بیان نموده‌اند (محقق حلی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۱۱۳-۱۱۴؛ کاشف الغطاء، بی تا، ج ۴: ۳۷۵) اما محقق کرکی و صاحب ریاض علاوه بر این، حکم عدم جواز دفن را به مطلق کافر نیز تسری داده‌اند. (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۳: ۳۸۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۰۶-۱۰۷) این در حالی است که مرحوم صاحب جواهر ضمن تصریح به عدم وجوب دفن کافر اعم از حربی و غیر آن، در عدم جواز دفن اشکال می‌کند و آن را محل تامل و نظر می‌داند؛ با این استدلال که مقتضای اصل جواز دفن همه موجودات اعم از حیوان و غیر آن است. (نجفی، ۱۴۰۴)





۱۳۲-۱۳۳). برخی فقیهان عدم وجوب دفن کافر را منصرف به منع دفن طبق آداب اسلامی دانسته اند؛ بدین معنی که رعایت آداب و تشریفات دفن میت مسلمان نباید انجام شود و گرنه اصل دفن منعی ندارد. آیت الله جوادی آملی در این خصوص بیان داشته اند که «کفن و دفن غیر مسلمان همانند مسلمان {طبق آداب اسلامی} واجب نیست هر چند اصل دفن برای حفظ بهداشت لازم است. (احکام میت javadi.esra.ir). برخی دیگر نیز همین حکم را تصریح نموده اند که «... غسل و کفن و دفن کافر و اولاد او مطابق آداب اسلامی جایز نیست...» (منتظری، ۱۳۷۷: ۱۱۴). بهر حال، عدم وجوب یا جواز دفن کشته شدگان غیر مسلمان در جنگ، مقتضای حکم اولی فقهی است ولی چنانچه عدم دفن موجب مشکلات و آثار سوئی چون تعفن، شیوع بیماری و مانند آن شود وضع متفاوت می شود و دفن مانعی ندارد بلکه واجب و ضروری خواهد شد. این رویکرد نیز در کلام فقهاء منعکس است. آیت الله مکارم شیرازی بیان داشته اند «دفن میت کافر، با توجه به مشکلاتی که بر اثر عدم دفن حاصل می شود اشکالی ندارد.» (<https://makarem.ir/main.aspx>). علاوه بر این، امروزه در جنگ ها، تبادل اجساد نیروهای متخاصم رایج است و انتقال اجساد امری پسندیده و انسانی تلقی می شود. در این صورت برای تسهیل تبادل اجساد کشته شدگان مسلمان، باید اجساد دشمن با علامت گذاری دفن شود تا در زمان مناسب امکان این تبادل فراهم گردد. اضافه بر این، دولت های مسلمان در عصر فعلی به موجب تعهدات بین المللی مندرج در معاهدات بشردوستانه از جمله کنوانسیون های ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل های آنها، احترام به اجساد و کمک به دفن آنها را به عنوان یک تعهد بین المللی پذیرفته اند و مکلف به رعایت آن هستند. با این وصف به موجب احکام ثانویه و مقررات دولت اسلامی نیز دفن اجساد نیروهای غیر مسلمان در جنگ ها بلامانع بلکه ضروری است.

جماعت از اجساد «میت حقین» این جنگ ضروری است تا در کلام فقهاء اسلامی

نتیجه گیری

حقوق بین الملل بشردوستانه در قالب کنوانسیون های ژنو و پروتکل های الحاقی آنها، حمایت های قابل توجهی از اجساد نیروهای متخاصم در جنگ ها پیش بینی نموده است. این حمایت ها با تعهد به جستجوی مفقودین آغاز شده و تا دفن محترمانه ادامه می یابد و ذیل عنوان رفتار احترام آمیز با اجساد شکل گرفته است. اینگونه حمایت ها به تعالیم ادیان



الهی در زمینه احترام به شخصیت مردگان برمی گردد؛ چه اینکه در تعالیم ادیان توحیدی، احترام و کرامت انسان، پس از مرگ نیز مورد تاکید و سفارش است. در این میان، شریعت اسلامی بیشترین توجه و تعالیم را نسبت به اجساد مردگان به پیروان خویش ابلاغ کرده است. وجوب دفن میت و سرعت در انجام این کار همراه با تشریفات و آداب اسلامی، حفظ تمامیت جسمی و عدم تعرض به آن، پرهیز از توهین و بی احترامی، منع قطع عضو همه حکایت از این توجه ویژه دارد. این رویکرد در دوره صدر اول توسط پیامبر گرامی اسلام نهادینه شد و در جنگ های مسلمین نیز در سطح وسیعی لحاظ شد. سیره امام علی (ع) نیز در جنگ های داخلی حکایت از توجه جدی به مساله احترام به اجساد کشته شدگان در جنگ دارد. در روایات به عنوان منبع مهم فقه اسلامی و به تبع آن آراء فقیهان مسلمان، آداب ویژه دفن مختص میت مسلمان است و هر نوع عدم وجوب یا عدم جواز دفن، منصرف به دفن با این آداب است لکن در این منابع، هر گونه توهین به اجساد، غارت آنها و بویژه قطع اعضای کشته شدگان غیر مسلمان در جنگ ها منع شده است؛ دفن اجساد در جنگ امری مجاز بلکه ضروری تلقی می شود. تجویز دفن اجساد کشته شده در جنگ، در ضوابط مربوط به احکام ثانویه قابل درک و استنباط است. رعایت ملاحظات بهداشتی و پرهیز از اذیت و آلوده سازی محیط از معیارهای مورد توجه در این احکام است. علاوه بر این، امروزه تبادل اجساد امری رایج و انسانی در جنگ ها است و هر گونه تبادل اجساد کشته های مسلمان وابسته به حفظ و نگه داری اجساد و دفن مناسب آنهاست تا در وقت تبادل بکار آید. رفتار حزب الله لبنان به عنوان یک گروه وفادار به معیار های اسلامی در دفن و تبادل اجساد کشته های ارتش رژیم صهیونیستی با اسیران مسلمان در این چارچوب قابل درک است. اضافه بر این، دولت های مسلمان با پذیرش و عضویت در معاهدات حقوق بشر دوستانه، به رعایت موازین بین المللی بشردوستانه در زمان جنگ از جمله احترام به اجساد و دفن آنها متعهد شده اند. این وضعیت در جنگ های داخلی مسلمانان نیز جاری است و متخصصان مسلمان متعهد به رعایت مقررات بشردوستانه هستند؛ سیره امام علی (ع) در جنگ های جمل، صفین و نهروان نیز مستند معتبری در این زمینه است که پرهیز از مثله کردن و قطع اعضاء، تحویل اجساد به بازماندگان و دفن مناسب آنها از مصادیق احترام و حمایت از اجساد در سیره آن امام و الگوی بی نظیر انسانیت و مروت است. با این اوصاف، اقدامات گروه های تکفیری مانند داعش در سال های اخیر





نسبت به اجساد اعم از قطع عضو ، سوختن اجساد ، نبش قبر شخصیت های مورد احترام مسلمانان و دیگر رفتار توهین آمیز این گروه ها ، خارج از معیارهای اسلامی است .

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- (۱) ابن اسحاق ، ۱۴۱۰ق ، سیره ابن اسحاق (کتاب سیر والمغازی)، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- (۲) ابن هشام ، بی تا، السیره النبویه ، بیروت، دارالمعرفه، ج ۲.
- (۳) احمدی میانجی، علی، ۱۳۸۸ش، حقوق مخاصمات مسلحانه در اسلام، ترجمه محمد احمدی میانجی، تهران، انتشارات دادگستر.
- (۴) امامی ، مسعود، شوپای جویباری، رمضانعلی، ۱۳۹۵ش، دانشنامه اسلام و حقوق بین الملل بشردوستانه، تهران، انتشارات میزان.
- (۵) باقری، سمیه، محمدی بخش، لیلا، ۱۳۹۲ش، اخلاق نظامی پیامبر(ص) در جنگ، مجله بصیرت و تربیت اسلامی، سال دهم ، ش ۲۶.
- (۶) باقریان، منصوره، ۱۳۹۳ش، حقوق شرعی اموات مسلمانان از دیدگاه فقه امامیه و اهل سنت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، رشته فقه ومبانی حقوق اسلامی.
- (۷) حر عاملی ، محمدبن حسن ، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه ، قم، موسسه آل البیت (ع)، ج ۱، ۲۹، ۱۵، ۳، ۲.
- (۸) ستوده، حمید ، احمدی، احمد، ۱۳۹۰ش، کالبدشکافی جنایی، پردازش فقهی و حقوقی، فصلنامه فقه پزشکی، ش ۹ و ۱۰.
- (۹) شهید اول ، محمد بن مکی عاملی ، ۱۴۱۷ق، الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه ، قم، دفتر انتشارات اسلامی ، ج ۲، ج ۲.
- (۱۰) صدوق ، محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۱۳ق، من لایحضره الفقیه ، قم، دفتر انتشارات اسلامی ، ج ۲، ج ۱.





- (۱۱) ضیایی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۶۵ش، نگرشی اجمالی به حقوق جنگ، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۶.
- (۱۲) -----، ۱۳۹۲ش، حقوق بین الملل بشردوستانه، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- (۱۳) طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیرالقران، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۵، ج ۸.
- (۱۴) طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، ۱۴۰۷ق، المبسوط فی فقه الامامیه، المکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه، ج ۶، ۲، ۱.
- (۱۵) عباسی، مجید، ۱۳۹۵ش، نظریه‌ی اسلامی حقوق بشردوستانه و صلح بین المللی با تأکید بر کرامت ذاتی و ارزش انسان، پژوهش های سیاست اسلامی، سال چهارم، ش ۱۰.
- (۱۶) عبدالقادر ابوفارس، محمد، ۱۳۹۴ش، مکتب نظامی پیامبر اعظم (ص)، مترجم علی-رضا فرازی، قم، انتشارات زمزم هدایت.
- (۱۷) غیبی، محمد معین، ۱۳۹۵ش، لزوم دفن اجساد در گذشتگان از منظر فقه اسلامی و حقوق بین الملل بشردوستانه، مرکز مطالعات تطبیقی حقوق بشردوستانه.
- (۱۸) قائدان، اصغر و همکاران، ۱۳۹۳ش، قواعدحقوق جنگ در اندیشه فقهای شیعه و مقایسه آن با قوانین حقوق بشردوستانه در عصر حاضر، فصلنامه فقه و مبانی اسلامی، ش ۲.
- (۱۹) قائدان، اصغر، ۱۳۹۲ش، مقایسه و پیشینه قوانین موضوعه حقوق جنگ معاصر در سیره و گفتار امام علی (ع)، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ش ۵۸.
- (۲۰) کلینی، ابو جعفر محمد ابن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، طهران، دار الکتب الاسلامیه، ج ۴، ج ۵.
- (۲۱) کنعانی، محمد طاهر، سیاه رستمی، هاجر، حسین نژاد، کتابیون، ۱۳۸۳ش، حقوق بین الملل بشردوستانه ناظر به حمایت از افراد در درگیری مسلحانه (مجموعه اسناد ژنو)، تهران کمیته ملی حقوق بشردوستانه جمهوری اسلامی ایران، ج ۲.
- (۲۲) لطفی، عبدالرضا و همکاران، ۱۳۹۵ش، اشخاص مورد حمایت در مخاصمات مسلحانه، تهران، نشر میزان، ج ۱، ج ۱.





(۲۳) محمدی، روح الله، ۱۳۹۳ش، بررسی فقهی حقوق بشردوستانه با تأکید بر حمایت از اشخاص غیر نظامی، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، فقه و مبانی حقوق اسلامی.

(۲۴) نجفی، محمد حسن، ۱۴۰۴ ق، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۷، ص ۲۱.

(۲۵) وری، پیترو، ۱۳۹۴ش، فرهنگ حقوق بین الملل مخصصات مسلحانه، ترجمه دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، تهران، انتشارات سرسم، ج ۱.

(۲۶) هنکرتز، ژان ماری، دوسوالدبک، لوئیس، ۱۳۸۷ش، حقوق بین الملل بشردوستانه عرفی، ترجمه دفتر امور بین الملل قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین المللی صلیب سرخ، تهران، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، ج ۱، ص ۱.

27) Annual Report (2008), Annual Report, (2009) Central tracing agency and protection ICRC. Central tracing agency and protection: extract from ICRC Annual Report 2008, Annual Report, (27-05-2009).

28) Annual Report (2008), ICRC, Geneva, (2008), p. 187 (on ICRC activities in Afghanistan pertaining to the collection, burial and/or repatriation of human remains after fighting).

29) Belgium, Law of War Manual (1983).

30) Comprehensive Agreement on Respect for Human Rights and International Humanitarian Law in the Philippines, (1998).

31) Convention (I) for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field, Geneva, 12 August (1949).

32) Convention (II) for the Amelioration of the Condition of Wounded, Sick and Shipwrecked Members of Armed Forces at Sea, Geneva, 12 August (1949).

33) Convention (III) relative to the Treatment of Prisoners of War. Geneva, 12 August (1949).

34) Convention (IV) relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War. Geneva, 12 August (1949).

35) Convention for the Adaptation to Maritime Warfare of the Principles of the Geneva Convention, 18 October (1907).

36) Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armies in the Field Geneva, (1929).

37) F. thesis Cook, Sian, (2015), The Return of Remains: How Can Dignity Be Better Safeguarded?, Uppsala University, Sweden, May 2015.

38) Henckaerts, Jean-Marie, Doswald-Beck, Louise, (2005), Customary International Humanitarian Law, Cambridge University Press, New York, Vol. II.

39) Krisasi Olumbe, Alex and Kalebi yakub, Ahmad, (2002), "Management exhumation and identification of human remains: ", A view point of the developing world IRRC.



- 40) Morgan, Oliver et al,(2009), Management of Dead Bodies after Disasters: A Field Manual for First Responders, Pan American Health Organization, Washington D.C.
- 41) Orońska, Anna,(2009)," The dignity of a dying human in different religions of the world", Review paper, Lower Silesian Oncology Center, Wroclaw, Poland, Adv. Pall. Med.
- 42) Petrig, Anna,(2009), " The war dead and their gravesites" , Volume 91, Number 874.
- 43) Pictet, jean S,(1960) Commentary on Convention (I) for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field , ICRC.
- 44) Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), 8 June (1977).
- 45) Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of Non-International Armed Conflicts (Protocol II), 8 June (1977).
- 46) Sandoz, Yves , Swinarski, Christopher , and Zimmermann, Bruno (eds),(1987), Commentary on the Additional Protocols of 8 June 1977 to the Geneva Conventions of 12 August 1949, ICRC/Martinus Nijhoff, Geneva/ Dordrecht.
- 47) The Hague Conventions on the Laws and Customs of War on Land (1899 and 1907).
- 48) The Missing Persons and Presumption of Death Act, Chapter M-20.01 of The Statutes of Saskatchewan(effective September 28, 2009), PART I, Preliminary Matters.
- 49) Tidball-Binz, Morris,(2007)," Managing the dead in catastrophes: guiding principles and practical recommendations for first responders", IRRC, Volume 89 Number 866 .
- 50) UN Human Right Council A/HRC/22/NGO/157.
- 51) Wels, Welemoet,(2015), Dead body management in armed conflict: paradoxes in trying to do justice to the dead, Graduation thesis of the Leiden Law School of Leiden University.

